

بازنویسی داستان‌های منظوم / ۱۰

در پرده‌های راز

تألیف و بازنویسی اسرارنامه عطار نیشابوری

زهیر توکلی



شرکت سهامی کتابهای جیبی
وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۹۱



تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال،

صندوق پستی ۴۱۹۱-۱۱۳۶۵

شرکت سهامی کتابهای جیبی

وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

www.amirkabir.net

عنوان کتاب: در پرده‌های راز

نویسنده: زهیر توکلی

طراح جلد: پریسا رسولی

نوبت چاپ اول: (۱۳۹۱)

حروف متن: ۱۳

چاپ، مصافی و لیتوگرافی: چاپ واژه پرداز اندیشه

تلفن: ۷۷۱۴۵۰۶۳-۶

شمارگان: ۳۰۰۰

کاغذ: تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ، هرگونه نسخه برداری اعم از زیر کس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی یا جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی)، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

سرشناسه: توکلی، زهیر، ۱۳۵۶-

عنوان قراردادی: اسرارنامه.

عنوان و نام پدیدآور: در پرده‌های راز: تلخیص و بازنویسی اسرارنامه عطار نیشابوری / زهیر توکلی.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۸۶ ص.

فروست: بازنویسی داستان‌های منظوم: ۱۰.

شابک: 978-964-303-418-4

وضیعت فهرستنویسی: فیلا.

موضوع: عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۳۷-۵۶۲ ق. اسرارنامه -- اقتباس‌ها.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴.

موضوع: شعر عرفانی -- قرن ۶ ق.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۶ ق.

شناسه افزوده: عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۳۷-۵۶۲ ق. اسرارنامه.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ د ۴ ۵۵۴ و ۷۹۹۴ PIR

رده‌بندی دیوبی: ۸۲ / ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۰۰۸۸۱

پیشگفتار ناشر

ادبیات فارسی گنجینه‌ای سرشار از حکمت و معرفت است که در قالب‌های شعر و نثر آفریده شده و در دسترس ما قرار گرفته است. با گذشت زمان، مطالعه متون کهن ادبی برای مخاطبان امروزی، دشوار شده است؛ به طوری که دستیابی به مرواریدهای نهفته در این گنجینه، به آسانی گذشته نیست.

نخستین قدم برای نزدیک شدن به این گنجینه، شناساندن آن به مخاطب است تا انگیزه لازم را برای مطالعه این آثار پیدا کند. یکی از راه‌های شناساندن این متون، تلخیص و بارنویسی آنهاست تا از این طریق، هم گوهرهای درخشان نهفته در آنها در اختیار مخاطب قرار گیرد و هم اشتیاق و انگیزه مطالعه اصل آثار در او بیدار و نیرومند شود.

منظومه‌های فارسی، آثاری ادبی است که ماهیت روایی و داستانی دارد. این منظومه‌ها نمونه‌های درخشانی از پیشینه داستان‌پردازی در ادبیات فارسی است. همچنین به سبب وجود

جنبه‌های آموزشی، به‌ویژه در حوزه اخلاق و معرفت بشری، این آثار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، بازنویسی و تلخیص منظومه‌های شاخص ادبیات فارسی، گامی ارزشمند در جهت شناساندن پیشینه داستان‌نویسی در ایران و نیز برخوردار شدن از عناصر حکمت و معرفت نهفته در آن‌هاست. در بازنویسی و تلخیص این متون، کوشیده‌ایم که خط سیر اصلی داستان، با وجود حذف عناصر غیر اصلی، محفوظ بماند و متن گزینش شده، نموداری از متن اصلی باشد. مثال‌آوری بیت‌های درخشان منظومه‌ها نیز با همین هدف صورت گرفته است.

شرکت سهامی کتابهای جیبی

مقدمه

محمد ملقب به فریدالدین و متخلص به «فرید» و بیشتر «عطار» یعنی شیخ عطار نیشابوری، دومین حلقه از سه حلقه اصلی زنجیره منظومه سرایان عرفانی است: «سنایی، عطار، مولوی» و اگر در میان انواع منظومه‌های زبان فارسی (از بزمی تا رزمی و از عرفانی تا اخلاقی) نیز بخواهیم چند نفر را سر جمع از میان همه انتخاب کنیم، بی‌سک نمی‌توان از کنار نام او گذشت و او در کنار فردوسی و نظامی و به‌همراه دو بدیل دیگرش در حوزه منظومه‌سرایی عرفانی یعنی سنایی و مولوی، پنج ستاره آسمان ادب فارسی در عرصه سرودن مثنوی‌های بلند روایی به‌شمار می‌روند.

عطار بین سال‌های ۵۴۳ تا ۵۵۳ در نیشابور زاده شده است و بنابر قول مشهور در حمله مغولان به این شهر به شهادت رسیده است (بین سال‌های ۶۱۸ تا ۶۲۷).

شغل او و نیز شغل پدرش طبابت به‌شیوه طب سنتی و فروش

داروهای گیاهی و ادویه و عطر بوده است. پدرش نیز مانند خودش، اهل عبادت و مشتاق عوالم معنا بوده است و بنابر اطلاع دکتر شفيعی کدکنی - که خداوند بر عمر پربرکت ایشان بیفزاید - مزار پدر عطار نیز، زیارتگاه مردم منطقه کدکن است، همان‌طور که آرامگاه او نیز در نیشابور، محل آمد و شد اهل ذوق و معرفت است.

عطار سه مثنوی دارد که در آن‌ها یک داستان کلی روایت می‌شود و در ضمن آن داستان کلی، حکایاتی متناسب با جایگاه آورده می‌شود. این سه مثنوی عبارتند از: *منطق الطیر* یا *مقامات طيور*، *مصیبت‌نامه* و *سررنامه* یا *اللهی‌نامه*. عطار یک دفتر رباعی دارد مشتمل بر حدود دوهزار رباعی به نام *مختارنامه*. دیوان او نیز شامل غزلیات و قصاید و مقطعات و رباعیات نیز در دست هست. می‌ماند *سررنامه* که از نظر حجم کوچک‌ترین مثنوی اوست (حدود سه هزار و سیصد بیت) و داستانی کلی ندارد بلکه به روش *حدیقه/الحقیقه سنایی* مشتمل بر گفتارهایی (مقالات) در بیان اسرار عرفانی و حکایاتی متناسب در خلال هر مقاله است، همان‌طور که مخزن/الاسرار حکیم نظامی نیز چنین ساختاری دارد. اگر حس و حال *اللهی‌نامه* بیشتر به چشم می‌آید و اگر شگفت‌انگیزی و جنبه رمزی *منطق الطیر* چشمگیرتر است و اگر حکایت‌پردازی در *مصیبت‌نامه* به اوج رسیده، باید در مقایسه با آن‌ها گفت که *سررنامه* از حیث اشتغال بر نکته‌های گذرا که

به طریزی بسیار دقیق و موجز در میان گذاشته شده‌اند و نیز از بابت تمثیل‌های کوچک‌کوچک و پی‌درپی، ما را به یاد مثنوی مولوی می‌اندازد. حتی حکایات این کتاب نیز بیشتر در سایه همین جنبه بیان اسرار و پردازش نکات معرفتی، از غنای روایی و جذابیت داستانی کمتری نسبت به سایر آثار عطار برخوردارند ولی در عوض، تعداد حکایت‌هایی که به واقع حکایت نیستند بلکه نقل قولی از مشایخ طریقت یا صرفاً یک تمثیل هستند نه حکایت، کم نیست. حکایت‌ها در این کتاب، کاملاً در خدمت ساختار اندیشه‌ورزانه کتاب درآمده‌اند، ساختاری که گاه آن قدر تدقیق و تعمق فکر عرفانی در آن پررنگ می‌شود که عطار ناگهان گوشزد می‌کند که: «خدا نیامرزد کسی را که این حرف‌های مرا از سر تفلسف قلمداد کند، من فلسفی نیستم و این حرف‌ها از جای دیگری آمده‌اند.»

از دیگر نکات این کتاب، آن است که سن عطار در هنگام سرودن آن، حدود پنجاه سال بوده است و به نوعی، اسرارنامه از بیشتر آثار عطار زودتر سروده شده است. در مناجات‌نامه آخر کتاب نیز، به خلاف دیگر منظومه‌های او که لحنی پرسوز و گداز و نیایشی مستقیم خطاب به حضرت حق، پیکره اصل مناجات‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهد، حجم نیایش‌ها و خطاب‌های مستقیم با حضرت الوهیت کمتر است و حجم حسب حال گویی و بیان عجز و درماندگی و تا حدودی واقعه‌زدگی عرفانی و بیان

اشیائی و حکایاتی متناسب آن بیش از دیگر مناجات‌نامه‌های
 مثنوی‌های او به چشم می‌آید. حتی در قسمتی از مناجات‌نامه،
 خطاب به خواننده از او می‌خواهد که اگر این کتاب را خوانده
 است، عطار را یاد کند که دستش از دنیا کوتاه است:

در آن ساعت که جان از تن رها شد
 دو عالم آن زمان از هم جدا شد
 از این سو تن به بیهوشی فرو رفت
 و از آن سو جان به خاموشی فرو رفت
 که دانند کاین دو را کز هم جدا شد
 کجا بود و کجا آمد کجا شد؟
 جوامرد! ازین نبود زیانست
 که گویی «خواب خوش باد ای جوانست»
 اگر بیتی خوشک آید ز جایی
 من بیچاره را گویی دعایی
 مرا کاری برآید روزگاری
 تو را بزیان نیاید هیچ کاری
 دعایی زود رو چون گشت نزدیک
 مرا نوری بُود در خاک تاریک
 مرا راحت تو را باشد ثوابی
 خلاصم باشد از باشد عقابی

و من می‌خواهم در این لحظات که آخرین سطور این مقدمه را

می‌نگارم، در پایان کار بازنویسی و تلخیص سه کتاب او: مصیبت‌نامه، الهی‌نامه و اسرارنامه، از خداوند برای او آمرزش بطلبم، چرا که، در این چند ماه، خواندن شعرهای آن پیر شهید، دید جدیدی به جهان در من ایجاد کرد و من تا ابد مدیون او خواهم بود و فکر می‌کنم هر کس که بویی از عوالم عرفان به مشامش خورده باشد، محال است آثار عطار را بخواند و نسیم معطری را که بر او وزیده است، احساس نکند.

خداوند او را با انبیا و اوصیا محشور کند و شفاعت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) شامل حال آن دردمند راه معنا بشود که از هر بیت کتابش خونی می‌چکد!

سخن با دردتر زین کس ندیده است
کزین هر بیت خونی می‌چکیده است

زهیر توکلی

۱. بعدالتحریر، این را هم باید بیفزایم که در نگارش این بازنویسی و تلخیص، متن اساس ما، اسرارنامه به تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، منتشره توسط مطبعه سخن در سال ۱۳۸۶ در تهران بوده است. در نگارش زندگی‌نامه نیز از کتاب استاد بدیع الزمان فروزانفر به نام شرح احوال و نقد و تحلیل آثار تسبیح فریدالدین عطار نیشابوری، منتشره توسط نشر آسیم به سال ۱۳۸۹ در تهران و نیز از مقدمه دکتر شفیعی کدکنی بر منطق‌الطیر (سخن، تهران، ۱۳۸۳) بهره برده‌ایم.